

مجسمه طلائی شانس بر شانه کدام خوشبخت خواهد نشست؟

بازی اسکار در نقطه آغاز

امین فرج پور | دوباره فصل جوایز سینمایی از راه رسیده، فصلی پر از شور و حال و هیجان برای سینماگران، منتقدان و البته سینمادوستانی که یک سال را با این امید پشت سر می گذارند که آیا فیلم، فیلمساز و یا هنرمند محبوبشان در پایان فصل جوایز سینمایی - که نقطه نهایی و به اصطلاح بازی فینال آن، مراسم معظم اسکار است - خواهد توانست شاهد موفقیتش را در آغوش کشد یا نه. این پرسش هر چه به جوایز مهم و بالاخص اسکار نزدیک تر می شویم بیشتر و بیشتر تکرار شده و توجهات را معطوف به خود می کند.

گذشته از چند فیلم به اصطلاح پدیده که به طور معمول همه ساله به یکبار سر بر آورده و ناگهان بدل به سر تتر اخبار می شوند، در این میان فیلم هایی وجود دارند که حتی پیش از آغاز نمایش شان نیز به عنوان امیدهای مسلم جوایز مهم سال قلمداد می شوند. فاکتورهایی چون نام فیلمساز یا بازیگران فیلم، داستان، مضمون یا حال و هوای آن و... در این که فیلمی نامش بین این شانس های بالقوه بیاید، نقش

مهمی دارند. فیلمسازی که فیلم قبلی اش اسکار برده یا بازیگری که نامش پیش از این به عنوان برنده این جایزه آمده، قطعاً در گمانه زنی های منتقدان و کارشناسان جزو فیلم هایی که شانس جوایز مهم را دارند، نام برده می شوند. یک چیزی در ماه های فیلم های جشنواره فجر خودمان که پیش از تماشای فیلم و فقط و فقط با اتکا به نام دستاورد کارانش تا حد زیادی می توان فهمید قرار است در روزهای جشنواره چند مرده حلاج باشد و آیا می توان به آن امید بست یا نه. با این که تاریخ نشان داده چنین گمانه زنی هایی وحی منزل نیست و همیشه می توان انتظار فیلم و فیلمسازی را داشت که شهاب گونه در دنیای سینما سر بر آورده و نگاهها را به خود و درخشش رویایی اش جلب کند.

مطلب زیر با چنین نگاهی تنظیم شده است. این مطلب مروری است بر فیلم هایی که هر کدام می توانند در شب بر گزای مراسم آکادمی اسکار نام خود و عوامل شان را به عنوان برندگان و ستارگان آن شب رویایی به ثبت برسانند.

سالی

کلینت ایستود که با فیلم وطن پرستانه قبلی اش تک تیر انداز آمریکایی موفقیت های بزرگی به دست آورده این بار نیز صاحب شانس بالایی برای تداوم موفقیت های جشنواره های اسکاری شمرده می شد. اگر عکس العمل هایش به اوضاع روز آمریکا و راه سواي خاص و عام نمی کرد. اما سخنان ایستود یک بار دیگر ثابت کرد که انسان و اشتباهاتش ربطی به سن و سال ندارد و حتی کسی چون کلینت ایستود نیز می تواند اشتباه کرده و تمام شانس های فیلم خویش را تها سازد.

در سرزمین دموکرات هالیوود سخنان کلینت ایستود در حمایت از دونالد ترامپ گناهی ناخوشدنی قلمداد شد و انتقادات فراوانی را به وجود آورد. کارشناسان اسکار معتقدند تنها چیزی که می توانست شانس ایستود را برای دریافت اسکار امسال کاهش دهد، حماقتی در حد دفاع از دیوانه های چون ترامپ بود. حالا با وجود این که نامزد مورد حمایت آقای ایستود سر بلند از انتخابات بیرون آمده اما بعید نیست اعضای دموکرات آکادمی به انتقام حمایت از نامزد جمهوری خواه فیلم خوب و شاخص کلینت ایستود را یکسره نادیده بگیرند. اما اگر این اتفاق رخ ندهد و اعضای آکادمی بخواهند دموکرات منشی شان را به اثبات برسانند، آن وقت می توان سالی را دارای شانس بالایی برای فتح اسکار امسال دانست. این فیلم از آنهایی است که جان می دهد برای اسکار شدن. داستان واقعی یک رخداد مشهور هوایی، در باره خلبانی به نام چلسی سالنبرگر که به خاطر یک اتفاق هوایی ابتدا به عنوان خلبان معجزه گر شناخته شد و سپس با ادامه روند تحقیقات اعلام شد او کسی بوده که باعث اصلی وقوع این رخداد بوده، به خودی خود برای اسکار جذاب قلمداد می شود. حالا اگر نقش او را تام هنکس همیشه محبوب آکادمی ایفا کرده باشد که دیگر می توان تکلیف دو رشته اصلی اسکار امسال را روشن شده دانست البته اگر هیلاری و دوستدارانش بگذرانند.



جکی

۶ سال پس از نخستین اسکارش برای بازی در فیلم «قوی سیاه» ناتالی پورتمن دلش لک زده برای یک فصل جوایز پرافتخار و بزرگ و با بازی در فیلم جکی در نقش جکی کندهی این رویا نزدیک تر از همیشه برایش به نظر می رسد. دیگر فاکتوری که حداقل شانس این فیلم را برای دیده شدن تضمین می کند، نام کارگردانش است. پابلو لاراین که در سال ۲۰۱۳ فیلم نامزد اسکاری «نه» را در شب مراسم داشت، آن قدر در این چند وقت تحسین شده که اکنون دین نخستین فیلم انگلیسی زبانیش برای منتقدان حیاتی باشد. نمایش بخش هایی از فیلم برای خریداران در جریان جشنواره کن امسال طبق شنیده ها تحسین همگانی آنها را باعث شده اما برای فهمیدن این که تا چه حد انتظار از این فیلم و فیلمساز واقع بینانه است باید تانمایش گسترده این فیلم صبر کنیم.

زنان قرن بیستم

یک بار دیگر آنت بنینگ جزو شانس های مطرح کسب اسکار سال قرار گرفته و این بار برای بازی در فیلم «زنان قرن بیستم» که کارگردان فیلم «اتاز کاران» یعنی جناب مایک میلز آن را کارگردانی کرده است. آنت بنینگ که تاکنون چهار نامزد دریافت اسکار بوده در زنان قرن بیستم ستاره اصلی گروه بازیگرانی متشکل از گرگاریگ و والی فالتینگ است. بنینگ نقش مادری تنها را بازی می کند که در دهه پراشوب ۷۰ باید از پس بزرگ کردن پسر در آستانه نوجوانی اش برآید. مایک میلز که سابقه خوبی در کار با بازیگران دارد و در سال ۲۰۱۰ با فیلم تازه کاران باعث کاندید شدن کریستوفر پلامر شد، یکی از نامهایی است که می تواند نقش عمده ای در اسکاری شدن آنت بنینگ داشته باشد.



سکوت

از آنجا که آخرین فیلم مارتین اسکورسیزی بزرگ، «گرگ وال استریت» به موفقیت اقتصادی بی سابقه ای رسید بدل شده به فروش ترین فیلم کارنامه این سینماگر اسطوره ای، بعید نیست که آکادمی اسکار با یک جایزه نازر شمنند این موفقیت بزرگ مارتین کبیر را در فیلم بعدی اش که سکوت نام دارد، به جشن بنشیند. چنین گمانه ای که ریشه در سابقه اعضای آکادمی دارد، دلیل بزرگی برای صاحب شانس قلمداد کردن سکوت اسکورسیزی است.

«سکوت» اقتباسی است از رمانی نوشته شو ساکی اندو، درباره دو کشیش کاتولیک پر تعالی که برای یافتن و دیدن کشیشی که ایمانش را از دست داده، متحمل رنج و مشقت سفر به ژاپن می شوند. نقش این دو کشیش را اندرو گارفیلد و آدام درایور و نقش کشیش ایمان باخته را ایلم نینسن بازی کرده اند. آنها که در جریان ساخته شده «سکوت» بوده یا آن را دیده اند، از دشواری های اسکورسیزی در ساخت این فیلم سخن گفته اند، چنان که خیلی ها «سکوت» را چالش برانگیزترین فیلم کارنامه بلندبالای مارتین اسکورسیزی می دانند.

گفته می شود اسکورسیزی ۲۳ سال در تلاش برای ساختن این فیلم بود اما در این راه مدام با بدشانسی مواجه شده و سال به سال ساخته شدن «سکوت» را با تعویق مواجه می دید. این بدشانسی ها حتی زمان فیلمبرداری نیز دست از سر کارگردان بزرگ و یارانش برنداشت. تازدی مرگ یکی از عوامل صحنه این فیلم به دلیل سقوط از بلندی، آخرین بدشانسی پیش پای این سینماگر اسطوره ای در راه خلق «سکوت» بوده و حالا شاید فقط جایزه ای در حد و اندازه اسکار بتواند تلخی، سختی و دشواری های متعدد ساخت این فیلم را برای اسکورسیزی بدل به شیرینی کند.

هم پیمان

پارامونت با انتخاب ماه نوامبر - که در فصل جوایز سینمایی ماه مهمی برای اکران محسوب می شود - برای اکران این فیلم نشان داده بدش نمی آید روی موفقیت این آخرین ساخته رابرت زمه کیس در مراسم اسکار شرط بندی کند. زمه کیس که سال گذشته با فیلم «راه رفتن» درباره یک پندباز که مسیر بین دو برج دوقلوی تجارت جهانی را روی طناب طی کرد و با وجود این که فیلمش به عنوان برنامه افتتاحیه جشنواره معتبر ونیز دارای شانس بالایی به شمار می رفت، کمترین موفقیتی در هیچ جنبه ای به دست نیامورد اما سال به نظر می رسد با «هم پیمان» کار راحت تری برای جلب نظر و توجه منتقدان و رأ دهندگان آکادمی پیش رو دارد.

«هم پیمان» در واقع گزینه مطمئن تری برای شرط بستن روی شانس موفقیتش است: یک تریلر رومانسیک که در روزهای جنگ دوم جهانی رخ می دهد و در آن ماریون کوئینر و براد پیت، دو نفر از بازیگران محبوب اسکار ایفای نقش کرده اند. قطعه ای توانمند درخشانی در سالن اهدای مجسمه های طلائی اسکار پیش رو داشته باشد. زمه کیس که پس از فیلم «فراست کامپ» از سال ۱۹۹۴ به این سو نشانی از جنگ در آثارش نبوده، این بار امید دارد بتواند موفقیت های غیر قابل تکرار آن فیلم بیست و نهم سال پیش را مکرر کند. اما آیا می تواند؟ گذشت چند ماه به این پرسش پاسخ خواهد داد.

جانوران شبگرد

آخرین (و نخستین) بار که طراح مد، تام فورد کارگردانی را امتحان کرد مربوط است به ۷ سال پیش که توانست با قدرت و استحکام فیلمش همگان را شگفت زده کند. او با فیلم یک مرد تنها که در می سبک پردازانه و احساسی بود، برای بازیگر اصلی اش کالین فرث یک نامزدی اسکار به ارمغان آورد که تا امروز آخرین نامزدی او در اسکار بوده است. اکنون تام فورد پس از ۷ سال غیبت با دومین فیلمش «جانوران شبگرد» پایه فصل رقابت سینمایی می گذارد. این فیلم که بر اساس رمان تحسین شده تونی و سوزان نوشته استین رایت جلی دوربین رفته، درباره مالک یک گالری هنری است که زمانی که شوهر سابقش نوشته، تمام زندگی اش را تحت تاثیر قرار داده است. بازیگران این فیلم را شاید بتوان بهترین گروه بازیگری سال نامید، گروهی متشکل از ایملی آدامز، مایکل شانون، ایزلا فیشر، لورالین و آرمی همر.



حصارها

امسال فیلم های معدودی را می توان دارای پرستیژ و احترام سومین فیلم دنزل واشینگتن در مقام کارگردان دانست. فیلمی به نام «حصارها» که بر اساس نمایشنامه ای برنده جایزه پولیتزر نوشته آگوست ویلسون ساخته شده و یک بار دیگر واشینگتن و ویولا دیویس را پس از جایزه تونی که در کنار هم برای بازی در همین نمایشنامه در برلین به خانه بردند، کنار هم به معرض تماشا گذاشته است. از آنجا که منبع الهام اصلی این فیلم به نحو غیر قابل کتمان قدرتمند است، می توان گفت بقیه راه موفقیت فیلم بر عهده دنزل واشینگتن بوده، او اگر در کارگردانی موفق شده باشد، بی شک یکی از بهترین فیلم های سال با به رقابت اسکار خواهد گذاشت اما اگر نه، آن وقت باید گفت وای به حال دنزل که هم باید بار سنگین ناکامی را تحمل کند و هم بار طعنه ها و کنایه های طرفداران پروپاقرص نمایشنامه حصارها را. البته ناگفته نماند که سابقه کارگردانی دنزل در فیلم های آنتون فیشر و سخنرانان بزرگ نشان از توانایی های او در این عرصه دارد.

بیاده روی طولانی نیمه وقت بیلی لین

در میان فیلمسازان، آنگ لی یکی از محبوب های همیشه اسکار و به اصطلاح محکم و معیار فیلمسازان طلائی در نظر اعضای آکادمی است. آنگ لی که تاکنون دوبار برای فیلم های «کوهستان بروکینگ و زندگی پای» برنده جایزه اسکار شده، امسال با فیلم «بیاده روی طولانی نیمه وقت بیلی لین» که اقتباسی از کتاب بن فونتن است، دوباره به این رقابت مهم و جذاب بازگشته است. این فیلم که در روزهای اخیر به عنوان نوازانه و خلاقانه ترین فیلم آنگ لی - تاکنون - در رسانه ها مطرح شده، بیشتر ارزش و اهمیتش را مرهون تصمیم سازنده اش مینی بر فیلمبرداری با سرعت صدویست فریم در ثانیه است (برای توضیح باید سرعت نورمال فیلمبرداری، بیست و چهار فریم است). ظاهر آنگ لی در این چالش سر بلند بیرون آمده، رونمایی از پلان های گرفته شده فیلم در لاس وگاس نشان از موفقیت لی در این تصمیم داشته و کارشناسان توجه زیادی معطوف این تلاش فنی کردند.

درباره مضمون فیلم باید گفت که منتقدان کتاب فونتن را کج ۲۲ جنگ عراق نامیده اند. داستان فیلم که بیشتر با فلش بک روایت می شود، به تجارب یک سرباز ۹ ساله و جوخه او در جریان جنگ عراق می پردازد. بازیگر اصلی فیلم جو آلونین تازه آمده است و ستارگانی چون کریستن استیوارت، وین دیزل و استیو مارتن دیگر نقش های این فیلم را بازی کرده اند.

لبه ااره کمائی

این درام جنگی بر اساس داستان واقعی پرتشکبازی به نام دو موند تی داس که در نبرد اوکیناوا به خاطر باورهای مذهبی اش از برداشتن سلاح خودداری کرد و بعدها به خاطر این کار Medal of Honor افتخار بهش داده شد، از آن پروژه هایی است که داد می زند می تواند محبوب اسکار شود. تنها نکته منفی این فیلم در نظر اعضای آکادمی اسکار می تواند نام کارگردان بر سروصدایش باشد که یکی از بحث انگیزترین آدم های حرفه اش است. مل گیبسون که سابقه اش نشان داده بد طولایی در مخالف خوانی و برانگیختن قدرتمندان علیه خود دارد، اگر کارگردان این فیلم نبود می شد از همین حالا بر سر میزان موفقیت این فیلم در چند رشته اصلی اسکار امسال شرط بست. اما حیف...

لالاند

فیلم قبلی دیمین جزل به نام «پیش» چنان در خرخشان بود که این فیلمساز مسیر سلندنس تا اسکار را با سرعت نور طی کرده و ظرف چند ماه از یک فیلمساز ناشناخته تازه کار بدل شد به کارگردانی که نامزدی اسکار را در کارنامه دارد. لالاند، این رمانس موزیکال درباره عشق یک پیانیست جاز با یک بار دیگر پایه فصل جوایز گذاشته، آن هم با یک فیلم موزیکال برزق و برق که رایان گسلینگ و اما استون در آن بازی کرده اند. لالاند، این رمانس موزیکال درباره عشق یک پیانیست جاز با یک هنرپیشه در حال رشد در شهر همیشه آفتابی لس آنجلس، با همان تریلر کوتاهی که از آن منتشر شده نشان می دهد با فیلمی خاص و استثنایی سروکار داریم. اگر این رانیز در نظر آوریم که لالاند فیلم افتتاحیه ونیز بوده، شانس موفقیت این فیلم را در اسکار امسال بیشتر خواهیم دانست. نباید فراموش کرد فیلم هایی که ونیز به عنوان فیلم افتتاحیه انتخاب می کند، سابقه خوبی در اسکار دارند. «برمن» (مرد پرندهای) و «جاذبه» دو فیلم آخری هستند که در سه چهار سال اخیر، هم فیلم افتتاحیه ونیز بوده اند و هم برنده شب اسکار.



بنیانگذار

مایکل کیتون با ایفای نقش ری کرک که یکی از بنیانگذاران مک دونالد است، به بازی در نقش هایی در حدود اندازه اسکار ادامه می دهد. آن هم در فیلمی به کارگردانی جان لی هنکاک که در سال ۲۰۰۹ با فیلم «سوئیپ کور» یک نامزدی از رزمندگان اسکار به دست آورد. اینها را برای کسانی می گویم که در معرفی شانس های اسکار امسال نامی از این فیلم نمی آورند. اما خدا را چه دیدید، شاید هم در شب اهدای مجسمه های اسکار، سازندگان این فیلم بدل شوند به دل شادترین آدم های دنیای سینما.

اسنودن

لورا پوئتراس که اسکار بهترین مستند سال را برای ساخت مستند «شهروند شماره چهار» درباره ادوارد اسنودن، مأمور سابق سیا که با انتشار اسناد طبقه بندی شده این سازمان دنیا را تکان داد، دریافت کرد، تنها چهره واقعی این جدیدترین ساخته اولیور استون نیست که نقشش توسط بازیگران حرفه ای ایفا شده. ظاهر استون که حس کرده این روزها برنده شانس دور بر این بانوی مستندساز پروبال می زند، با حضور او خواسته های سعادت را متوجه خودش نیز کند، شاید بتواند روزهای جوخه، متولد چهارم جولای، قاتلین بلقاهر، جی اف کی و نیکسون را تکرار کند. البته لورا پوئتراس تنها کسی نیست که منتظر است فیلم را ببیند تا بفهمد اولیور استون چگونه او را دیده و به تصویر کشیده، تا اگر راضی نشد دهمار از روز کار اولیور استون در آورده به او خود استون، نامزدش، گلن گریوالد خبرنگار گاردین و ده ها نفر دیگر را بیفزاید تا بفهمد استون برای راضی کردن مخاطبانی که تقریباً همه چیز را در باره او می خوانند و بر سر و صدمای دانند، چه کار دشواری پیش رو دارد. اولیور استون که فیلم اسنودن را بر اساس کتاب های پرورنده اسنودن نوشته، لوکهاردینگ و زمان اختاپوس نوشته آنتالولی کوچرا جانولی دوربین برده، ایفای نقش اصلی فیلمش را به جوزف گوردون لویت سپرده در کنار او از بازیگرانی چون شایلین وودلی، زاکاری کوئینتا، ایون مک اسکیل و تان ویلکینسون استفاده کرده است تا نقش های آشنای آدم های واقعی را روی پرده جان ببخشند. این کارگردان بزرگ که البته در چند فیلم قبلیش نتوانسته موفقیت های بزرگ دوران اوچس را تکرار کند، به اسنودن به عنوان مغزی برای رهایی از دوران شکست های اخیرش می نگرد. به نظر هم می رسد در این نگاه حق با او باشد. موضوع بحث انگیز فیلم که کاملاً خوراک استون به نظر می رسد این قابلیت را دارد تا یک بار دیگر اولیور استون را بازی بزرگ هالیوود بر گرداند. البته اگر خود او در این جدیدترین فیلمش کارش را درست انجام داده باشد...

